

رابطه انتظار (نیروسازی) و احیاء امر*

سیده نفیسه فرساد^۱

محمد اصغرزاده^۲

چکیده

از جمله وظایف شیعیان در دوران غیبت، انتظار است. انتظار علاوه بر تأثیر در باور و رفتار، به لحاظ روانی نیز امید به تغییر را در انسان تقویت می‌نماید. امید به تغییر، در واقع، لازمه کسب عده و عده در مسیر انتظار است. این ملزوم از چارچوب خاصی که در سنت معصومین علیهم‌السلام برای انتظار ترسیم شده، به دست آمده است. این پژوهش که رویکرد روایی دارد با روش کتابخانه‌ای به این موضوع پرداخته است که آیا بین انتظار و احیاء امر خاندان رسالت رابطه‌ای وجود دارد؟ مهم‌ترین یافته این پژوهش، انکشاف برقراری ارتباطی تنگاتنگ بین انتظار و احیاء امر خاندان رسالت، است. همین امر، مسئولیت مضاعفی بر عهده پیروان این خاندان قرار می‌دهد تا نسبت به زنده نمودن امر آنان که همان انتظار است، اهتمام ویژه داشته باشند.

واژگان کلیدی

انتظار، احیاء امر، مصداق احیاء امر، رابطه انتظار و احیاء امر.

مقدمه

یکی از باورهای اعتقادی همه جوامع بشری، ظهور منجی است. در میان شیعیان اثناعشری نیز این اعتقاد با عنوان مهدویت وجود دارد. مهدویت از طرفی زیرشاخه اصل امامت است و از سوی دیگر خود دارای زیر شاخه‌های متعددی است. از جمله این زیر شاخه‌ها، بحث انتظار است.

انتظار همانند حالت آماده باش نظامی است. در این حالت، سرباز، مترصد حضور طرف مقابل است. در انتظار نیز فرد منتظر، مترصد حضور منتظر است. البته به لحاظ عرفی، اگر بین

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۱۸

۱. مدرس سطح دو و سه جامعه الزهراء علیها‌السلام و حوزه معصومیه؛ دانش آموخته سطح چهار فقه خانواده مؤسسه عالی معصومیه (نویسنده مسئول) (s.n.farsad@iran.ir).

۲. مدرس سطح یک حوزه علمیه برادران و دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ تشیع دانشگاه ادیان (d.hakimhekmat@gmail.com).

منتظر و منتظر، غلقه‌ای برقرار باشد، هر لحظه انتظار با نوعی بی‌قراری، اضطراب و اضطراب همراه خواهد بود.

مکتب حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام که مکتب تعالی بشری است و تمام اهتمامش بر پیوند دادن بنده به خداوند متعال است، مقوله انتظار را نیز به فرصتی جهت استحکام هرچه بیشتر این پیوند قرار داده است. علاوه بر این مقوله و ترغیب به آن، در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام، آحاد جامعه ایمانی به احیاء امر ایشان نیز تشویق شده تا آن اندازه که عاملان به این قضیه، در ردیف رحمت شدگان الهی قلمداد شده‌اند. لکن آنچه در بحث انتظار و احیاء امر، علاوه بر تعمق در مفهوم و ماهیت آن دو، در این پژوهش مورد دقت قرار گرفته است، پاسخ به این پرسش اساسی است: «چه رابطه‌ای بین انتظار و احیاء امر وجود دارد؟»

در توضیح می‌توان چنین مرقوم داشت که: آیا این دو از هم بیگانه‌اند و تباین بین آن دو حاکم است یا کاملاً بر هم منطبق هستند و رابطه‌شان تساوی است و یا بین آن دو، عموم و خصوص برقرار است؟

پاسخ صحیح به این پرسش، یقیناً هم در نوع نگاه جامعه ایمانی به مقوله انتظار تأثیر دارد و در پی آن در نحوه عملکرد افراد به عنوان منتظر مؤثر خواهد بود و هم این توجه را می‌دهد که هنوز زوایا و مسائلی دقیق در بحث مهدویت وجود دارد که به تامل و تعمق نیاز دارد. موضوع این پژوهش، بکر و جدید است و مقالات و کتب موجود صرفاً مقوله انتظار، ویژگی منتظران و سایر ابعاد انتظار را بررسی نموده و بحث احیاء امر در آنها لحاظ نشده است.

واژه‌شناسی

انتظار به لحاظ ریشه لغوی - ن ظ ر - دارای معنای تامل، تعمق، تفکر و تحقیق است (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۶۱۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ۴۹۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱۲، ۱۶۶). ردپای این معنای لغوی را در واژه انتظار می‌توان دریافت. گویا انتظار که عادتاً به ترقب و توقع معنا می‌شود به معنای اختیار و انتخاب با تعمق و تفکر است (همان: ۱۶۸). لازمه این معنا همان معنای عادی - ترقب و توقع - است که در واقع - طبق این معنا - فرد منتظر به دنبال فرصتی است تا با دقت و بصیرت و تفکر دست به اقدام زند و منتظر مترقب نامیده شود. بنابراین انتظار می‌تواند به معنای مترصد بودن و آماده باش باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶).

امر در لغت به دو معنا به کار رفته است: در یک معنا، حال و شأن است و جمع آن، امور است و در معنای دیگر، طلب و تکلیفی است که همراه با استعلاء باشد. جمع امر در این معنا، اوامر

است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۲۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۱، ۱۴۴).

ماهیت انتظار

انتظار در شمار مبانی اعتقادی و معارف دینی تشیع قرار دارد. همین امر می‌طلبد که ماهیت انتظار در معارف مکتب حضرات معصومین علیهم‌السلام جست‌وجو گردد. در آموزه‌های مکتبی اسلام از انتظار با تعابیر و عناوین مختلف یاد شده است. دقت در این تعابیر، تأثیر به‌سزایی بر نوع نگرش به چیستی انتظار خواهد داشت به خصوص اگر بتوان در کاربست آنها یک چپ‌نشدی خاصی را به‌دست آورد. این عناوین و تعابیر عبارت است از:

افضل اعمال؛ افضل عبادات؛ افضل جهاد؛ احب اعمال؛ احب امور؛ اعظم فرج.

در روایت امام حسن عسکری علیه‌السلام به نقل از حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است:

برترین اعمال امتم، انتظار فرج است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۰، ۳۱۷؛ جزائری، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ۵۰۷).

در روایت زیدبن صوحان از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام سؤال شده است:

کدام عمل در پیشگاه الهی محبوب‌ترین است؟ فرمود: انتظار فرج (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴ق: ۱۱۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۳۸۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: ۳۹۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۶).

امام رضا علیه‌السلام فرموده است:

برترین اعمال پیروان ما، انتظار فرج است (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۸۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش: ۴۰۶).

حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

برترین پیکار و جهاد امتم، انتظار فرج است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ۱۴۱).

در نقل دیگری آمده است:

محبوب‌ترین کارها در پیشگاه الهی، انتظار فرج است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۶).

و نیز:

برترین عمل مؤمن، انتظار فرج است و برترین عبادت، صبر، سکوت و انتظار فرج

است (همان: ۲۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۸، ۹۶).

امام سجاد علیه السلام نیز فرموده است:

انتظار فرج، بزرگ‌ترین گشایش محسوب می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۰).

با توجه به این فرمایشات گران‌مایه، می‌توان انتظار را با هرم هندسی «عمل، جهاد و عبادت» ترسیم نمود که انتظار در رأس آن و هر یک از عمل، جهاد و عبادت قواعد آن هستند، به گونه‌ای که هر یک از این قاعده‌ها نباشد انتظاری تحقق نخواهد یافت.

بنابراین ماهیت انتظار را عمل، جهاد و عبادت شکل می‌دهد. یعنی انتظار بافضیلت‌ترین عمل جهادگونه‌ای است که رنگ و صبغهٔ تعبد و تقرب دارد و با آن می‌توان بندگی نمود.

با این بیان، انتظار، حالت سکون و رکود و در اصطلاح عامیانه، دست بردست گذاشتن نیست بلکه تا جوشش و حرکت و تلاشی نباشد انتظاری تحقق نمی‌یابد و تا چنین انتظاری نباشد تحول و تغییر که در واقع چهره دیگر فرج و گشایش است حاصل نمی‌گردد.

دعوت به انتظار که در آموزه‌های قرآنی نیز مکرراً بیان شده، در بطن خود واگویی همین حقیقت است که در انتظار، واماندگی نیست. بلکه در آیات «وَتَقَبُّوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود: ۹۳)، «فَإِن تَظَرُّوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَظِّرِينَ» (اعراف: ۷۱؛ یونس: ۲۰ و ۱۰۲)، «نَتَظَرُّوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ» (انعام: ۱۵۸؛ هود: ۱۲۲) و «انْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ» (سجده: ۳۰)، با توجه به آیات قبل، انتظار دو جبهه حق و باطل، با پای بندی به عقاید و انجام عمل بر طبق آن باور و عقیده همراه است؛ مانند آنچه در آیات ۱۵۶ تا ۱۵۸ سوره انعام آمده است که ابتدا نوع نگاه جبههٔ مقابل به نزول قرآن و مطالبهٔ نشانه‌هایی از جانب خداوند متعال بیان شده است و سپس متناسب با این نگاه، توصیه به انتظار می‌شود، که مراد از این توصیه، منتظر و مترقب بودن نسبت به تحقق نشانه‌های درخواستی است.

با تأمل در سایر آیات نیز می‌توان چنین معنایی را از انتظار در آموزه‌های قرآنی به دست آورد. البته لازمهٔ انتظار، صبر است. به همین دلیل گفته شده است که فرد منتظر در واقع مترصد و مترقب است یعنی با تحمل صبر و بردباری، به دنبال فرصتِ تغییر در جهت گشایش مطلوب است.

و شاید وجود همین لازمه، برخی را بر آن داشته است که انتظار را نوعی سکون (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۵۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۱۶) و رکود و دست بردست گذاشتن بدانند (علیا نسب و علوی نیک، ۱۳۸۸ش: ۵۸).

همراهی صبر با انتظار نه تنها به عنوان یک لازمه عقلی و عرفی مطرح است بلکه صبور بودن و توصیه به صبر در کنار انتظار، از دیگر آموزه‌های مکتب حضرات معصومین علیهم‌السلام است که در واقع می‌تواند بیانگر این نکته باشد که انتظار طولانی نباید منتظر را به واپسزدگی و یأس و ناامیدی بکشاند بلکه باید منتظر حقیقی در دل و متن انتظار، اهل صبر و استقامت باشد. در همین راستا حضرت امام عسکری علیه‌السلام که تمهیدات رویارویی با رخداد غیبت را در میان شیعیان فراهم می‌نمود در توقیعی، با امر به صبر، فرمود:

بر تو باد به صبر و انتظار فرج، همانا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: برترین اعمال امتم، انتظار فرج است، و پیوسته پیروان من در حزن و اندوه خواهند بود تا فرزندم ظاهر شود، همان فرزندی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بشارت داده است که او زمین را پس از ظلم و ستم فراگیر، مملو از عدل و داد می‌نماید. پس ای شیخ! صبر کن و تمامی پیروانم را نیز به صبر، امر کن که زمین الهی، میراث بندگان منتخب خداوند خواهد بود و عاقبت نیکو برای متقین است. سلام بر تو و بر تمامی پیروان ما... (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۲۰).

در روایات دیگر نیز به همراهی انتظار با صبر تصریح شده است: امام رضا علیه‌السلام در پاسخ ابن ابی نصر بزنطی فرمود:

چه زیباست صبر و انتظار فرج... پس بر شما باد به صبر کردن، زیرا در مقابل یأس و ناامیدی با صبر، گشایش و فرج حاصل می‌شود و افراد پیش از شما، صبورتر بودند (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۸۰).

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مَنِ انْتَهَرَ أَمْرَنَا وَصَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْحُوفِ هُوَ غَدَا فِي زُمْرَتِنَا؟ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۱۰۶)؛

آیا نمی‌دانی فردی که منتظر امر ما باشد و بر آزار و اذیت‌ها و ترس در این مسیر، صبر نماید در آینده - آینده ظهور یا آینده آخرت - در شمار ما اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز فرمود:

اولین بندگی و عبادت، انتظار همراه با صبر است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۷).

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

با صبر، گشایش، انتظار می‌رود و فردی که پیوسته دق الباب نماید داخل (خانه) خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۸، ۹۶).

ایشان در کلامی دیگر نیز فرمود:

انتظار همراه با صبر، عبادت محسوب می‌شود (همان: ج ۵۲، ۱۴۵).

در آموزه‌های مکتبی حضرات معصومین علیهم‌السلام، انتظار، علاوه بر صبر، شاخصه‌های دیگری نیز می‌طلبد.

۱. اجتهاد

در صحیحہ جناب حمران (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۱۰۶-۱۱۹) - که نسبتاً طولانی است - پس از گفت‌وگویی که بین امام و یکی از موالیان ایشان در مورد برخورد منصور عباسی با ایشان رخ - داد و آن فرد از زمان پایان حکومت عباسیان سؤال پرسید، امام ابتدا با این فرمایش که: «أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مَنِ انْتَهَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ عَدَاً فِي زَمْرَتِنَا؟»، ارزش انتظار امر معصومین علیهم‌السلام و صبر در این انتظار را بیان فرمود و سپس به وضعیت تفصیلی جامعه در آستانه ظهور پرداخت و در پایان خطاب به آن فرد، بعد از دو هشدار به مراقبت و در جست‌وجوی راه نجات بودن، فرمود: «اجْتَهِدْ لِيْرَاكَ اللهُ - عَزَّوَجَلَّ - فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ»، تلاش کن تا خدای عزوجل تو را برخلاف آنچه مردم در آنند مشاهده کند.

گویا امام با این بیان، قصد دارد بفرماید که آن انتظار و صبری که شما را به ما ملحق می‌کند، گران به دست می‌آید. آن جایگاه نیاز به تلاش و مجاهدت دارد و نیز نیاز دارد به این‌که تلاش مجاهدان در این راه، به سخره گرفته نشود: «... وَ رَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِيهِ مِنَ الْجَهَادِ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۵، ۱۱۰) و فراتر از این می‌توان گفت وقتی امام پس از توصیف جامعه مذکور، امر به تلاش می‌نماید، در واقع درصدد است از مخاطبان خود برای رسیدن به حاکمیت حق، یک جامعه تلاشگر و مجاهد را مطالبه نماید.

۲. ترقب

در صحیحہ مذکور، علاوه بر بیان صبر در انتظار، به ترقب و آماده بودن نیز تصریح شده است: «فَكُنْ مُتَرَقِّباً». یعنی در واقع با مراقبت و مجاهدت در کنار صبر، فرد باید آمادگی لازم برای حضور در دوران حاکمیت حق را کسب نماید.

۳. مداومت بر انتظار

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ضمن بیان آدابی که حدود ۴۰۰ مطلب دینی و دنیوی است، اصحاب خود را دعوت به انتظار و بلکه فراتر از آن و به طور ضمنی، دعوت به مداومت بر انتظار نموده است:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَى اللَّهِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ وَمَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۶۱۶).

به بیان دیگر، انتظار وقتی مطلوب و سازنده خواهد بود که فرد در مجاهدت و تلاش و مراقبت، دچار رکود و خستگی نشود و بلکه پیوسته انتظار خود را تثبیت نماید.

۴. معرفت

با توجه به فرمایش امام کاظم علیه السلام: «وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۳) می توان اذعان داشت که راه تثبیت انتظار، کسب معرفت است. در این بیان نورانی، انتظار به عنوان دومین عبادت با فضیلت معرفی شده است. از ترتیب مذکور می-توان به این نکته دست یافت که انتظار به دنبال معرفت حاصل می-گردد. گویا معرفت به الله تعالی و حجت های او و نیز معرفت به اوامر و نواهی الهی، فرد را به انتظار کشیدن حاکمیت حق دعوت می نماید و هر میزان، معرفت افزایش یابد به یقین، انتظار نیز پایدارتر خواهد شد. قریب به این مضمون در دعای معرفت (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۱۶۶) مطالبه می شود. در کلامی دیگر امام سجاد علیه السلام اهل انتظار را صاحبان معرفت و فهم و عقل معرفی نمود و همین ویژگی را عامل برترین بودن امت آخرالزمان نسبت به سایر امت ها دانست، زیرا با این ویژگی، گویا امام را مشاهده می نمایند و برای آنان، غیبت، معنا ندارد:

يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيَّبْتَهُ، الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ، أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۲۰).

۵. ورع و محاسن اخلاق

در موثقه ابوبصیر اسدی، امام صادق علیه السلام فرمود: «... مِنْ سَرَّةٍ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ؛ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰). سرور و شغف حضور در میان یاران خاتم الاوصیاء، وابسته به کسب ورع و اخلاق حسن در حال انتظار است.

تکرار عبارت انتظار با دو تعبیر «فلینتظر - منتظر» و قرار گرفتن «ورع و محاسن اخلاق» بین آن دو، بیانگر آن است که اخلاق مدار بودن و رعایت موازین شرعی لازمه انتظار است. گویا فرد

منتظر، از این دو ویژگی نمی‌تواند بی‌بهره باشد بلکه در حال انتظار، باید این دو خصلت را دارا باشد.

۶. دعا

علاوه بر آن که فرد در حال انتظار باید خود را برای حضور در حاکمیت حق آماده نماید، لازم است برای تحقق این هدف، خاشعانه در پیشگاه الهی دست به دعا بردارد تا برای این آمادگی، با تأییدات الهی، نصرت و یاری گردد.

در کلامی از معصوم علیه السلام پرسیده شد که در دوران غیبت، پیروان شما چه کنند؟ در پاسخ فرمود: بر شما باد به دعا و انتظار فرج، سپس به درخواست راوی، دعایی تعلیم نمود (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۲، ۳۳۶).

از مجموع آموزه‌های حضرات معصومین علیهم السلام در تعریف و تبیین ماهیت انتظار برمی‌آید که با این آموزه‌ها و توصیه‌ها در حقیقت، عزم بر تربیت و آماده‌سازی نیرو جهت حضور در امر خطیری دارند که بی‌شک، آن امر خطیر در مسیر رسالت الهی رسولان و جانشینان آنان است.

ماهیت احیاء امر

گفته شد که امر هم به معنای شأن و حالت و هم به معنای طلب است. در آیه ۵۹ سوره نساء، حضرات ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان صاحبان امری که در اطاعت شدن هم درجه رسول خاتم صلی الله علیه و آله هستند، معرفی شده‌اند (جوادی، ۱۳۸۹ش: ج ۱۹، ۲۳۷).

طبق بیان *المیزان*، مراد از امر در این سوره، شأن است البته از این جهت که مرتبط با امور دینی و دنیوی مؤمنین است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ج ۴، ۳۹۲).

می‌توان گفت وقتی در آیه مذکور، تعبیر اولی الامر به دنبال واژه رسول «و أطیعوا الرسول و أولی الامر منکم» آمده است، درصدد است این مطلب را بیان بفرماید که اینان صاحبان همان امری هستند که رسول الهی برای آن - سعادت بشریت - مبعوث شده بود.

با این توضیح، مراد از احیاء امر، زنده نگهداشتن و برپاداشتن شأن حضرات ائمه معصومین علیهم السلام در امتداد شأن و امر رسول الهی است. اما آنچه جای سؤال و بررسی دارد نحوه احیاء امر و شأن ایشان است.

پاسخ این سؤال را نیز می‌توان در آموزه‌های مکتب اوصیاء حضرت خاتم صلی الله علیه و آله به دست آورد.

امام باقر علیه السلام در کلامی فرمود:

به دوستداران ما سلام برسان و آنها را به تقوای الهی توصیه کن و توصیه کن که ... با

یکدیگر در خانه‌های شان دیدار کنند، زیرا دیدار و زیارت آنها با هم در خانه‌های شان، حیات و زنده شدن امر ما است، خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده می‌دارد: «و اوصهم... و ان يتلاقوا فی بیوتهم، فان لقاء بعضهم بعضاً فی بیوتهم حیوة لامرنا، رَحِمَ اللهُ عبداً اَحییَ امرنا» (عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳ ش: ۷۹؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۵۰۸).

امام رضا علیه السلام نیز فرمود:

عن الرضا علیه السلام (قال): رَحِمَ اللهُ عبداً اَحییَ امرنا، فقیل له: و کیف یحیی امرکم؟ قال: یَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا و یَعْلَمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا (فیض کاشانی، ۱۳۷۱ ش: ۱۸)؛

خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده می‌دارد! گفته شد: چطور امر شما را زنده می‌کند؟ فرمود: با یادگیری علوم ما و تعلیم آن علوم به مردم، زیرا اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند قطعاً از ما پیروی خواهند کرد.

در این دو کلام روایت شده از دو امام همام، حضرت امام باقر و حضرت امام رضا علیهما السلام، چند شیوه، مصداق احیاء امر بیان شده است:

۱. زیارت مؤمنین با یکدیگر؛

۲. تعلم و علم‌آموزی در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛

۳. تعلیم علوم اهل بیت علیهم السلام به مردم.

در مورد زیارت، در کلام امام باقر علیه السلام آمده است که زیارت در خانه‌ها (فی بیوتهم)، احیاء امر است. این تقیید بیانگر آن است که برای احیاء امر اهل بیت علیهم السلام، نیاز به تشکّل و راه‌اندازی مجمع و دعوت از افراد خاص و مطرح کردن از طریق تربیون و... نیست بلکه نفس همراه شدن قلوب مؤمنین اعم از دوستان و خویشاوندان و انس و پیوند دل‌های آنها و زدودن کینه‌ها و کدورت‌ها، مصداق حیات امر اهل بیت علیهم السلام است. البته اگر این دیدار با تعلیم و تعلیم علم و معرفت همراه گردد به مراتب در مسیر احیاء امر اهل بیت علیهم السلام، گام و بلکه گام‌های بلندی برداشته می‌شود، زیرا تعلیل در کلام عالم اهل بیت علیهم السلام «فإن الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتَّبَعُونَا» تحقق می‌یابد و زمینه گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام هم به لحاظ عده و هم به لحاظ عده فراهم می‌گردد. به یقین اگر این موارد در کنگره عظیم حج و یا در زیارت اربعین که محل تلاقی مؤمنین از سراسر جامعه بزرگ اسلامی ایمانی است، تحقق یابد، به مراتب، برگسترده‌گی قلمرو این مکتب افزوده خواهد شد.

رابطه انتظار و احیاء امر

گفته شد انتظار که هرم «عمل، جهاد و عبادت» است و با شاخصه‌های ویژه‌ای باید همراه شود، در واقع، تربیت نیرو برای حضور در دوران حاکمیت حق است. از طرفی احیاء امر اهل بیت علیهم‌السلام نیز در حقیقت برای افزایش نیرو است، نیرویی که با علم و معرفت به این مکتب می‌پیوندد و با دیدارهای مکرر، با هم‌مکتبان خود انس و الفتی قلبی و ریشه‌دار و در یک کلام، ناگسستگی کسب می‌نماید. این نیروی تازه نفس و پرانرژی، با انتظار مطلوب، مستعد و آماده حضور در حاکمیتی می‌شود که انتظار کشیدن آن حاکمیت، با کسب مقام رزم‌آوری در رکاب حضرت نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مقام شهادت مساوی است:

الْمُنْتَظِرُ لِلثَّانِي عَشْرِمِئْتِهِمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَذُبُّ عَنْهُ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۳۴ و ۶۴۷).

و عن أبي عبدالله عليه السلام عن آبائه عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: المنتظر لأمرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۲۴۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۴۴۱). اما اگر در حال چنین انتظاری، مرگ بین او و منتظرش فاصله بیندازد، سه مقام را کسب نموده است: یک) رزم‌آوری در رکاب حضرت نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ دو) مقام همراهی با منتظر؛ سه) مقام شهادت.

إكمال الدين بهذا الإسناد قال: قال المنفصل بن عمير سمعت الصادق جعفر بن محمد عليه السلام يقول: من مات منتظراً لهذا الأمر كان كمن كان مع القائم في فسطاطه لا بل كان بمنزلة الصَّارِبِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ (حرعاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۴۶).

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلِ النَّمَيْرِيِّ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰).

عن عبد الحميد الواسطي عن أبي جعفر الباقر عليه السلام، قال: قلت: فإن مت قبل أن أدرك القائم عليه السلام؟ قال: القائل منكم إن أدركت قائم آل محمد نصرته كالمقارع معه بسيفه، بل كالشهيد معه (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۴۴۱).

وقتی انتظار امر اهل بیت علیهم‌السلام این پاداش عظیم را دارد، قطعاً باید از منظر ایشان، انتظار

علاوه بر آن که همانند احیاء امر، نیرو پروری محسوب می‌شود، جایگاه دیگری نیز داشته باشد. این جایگاه در گفت‌وگویی بین راوی عبدالحمید واسطی و امام باقر علیه السلام بیان شده است. در این گفت‌وگوی نسبتاً طولانی، پس از آن که راوی از شیوه انتظار خود و همراهانش سخن گفت و امام با تعبیر «أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا؟» این انتظار و وقف نمودن خود را حرکتی در مسیر خداوند متعال بیان نمود و در واقع با این نگرش، جلوه عبادی عمل را متذکر شد، در ادامه پاسخ خود فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا». در این تعبیر، با آن که امام صراحتاً انتظار را احیاء امر معرفی ننمود ولی به دلیل آن که پس از موضوع انتظار، این مطلب را بیان نمود، می‌توان استفاده کرد که در نگاه اهل بیت علیهم السلام، انتظار، احیاء امر آنان است.

عَنْهُ (سهل بن زیاد آدمی، امامی ثقه علی التحقیق) عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ (حسن بن علی بن فضال تیمی، ثقه جلیل) عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ (امامی ثقه) عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ (امامی ثقه) عَنْ عَبْدِالْحَمِيدِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا انْتِظَارًا هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى لَيُوشِكُ الرَّجُلُ مِنَّا أَنْ يُسْأَلَ فِي يَدِهِ؟ فَقَالَ: يَا [أَبَا] عَبْدِالْحَمِيدِ! أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا؟ بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا! رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا... قُلْتُ: فَإِنْ مِتُّ قَبْلَ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمَ علیه السلام؟ قَالَ: إِنَّ الْقَائِلَ مِنْكُمْ إِذَا قَالَ: إِنَّ أُدْرِكْتُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهَادَةَ مَعَهُ شَهَادَتَانِ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲۰۱، ۱۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۵، ۸۳۳؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۳۵۶).

به بیان واضح‌تر، علاوه بر سه مصداق مذکور در ماهیت احیاء امر، انتظار نیز از دیگر مصداق و بلکه - با توجه به ماهیت انتظار - اهم مصداق و بلکه نفس احیاء امر محسوب می‌شود. یعنی با افزایش و تربیت نیرو، زمینه برای ظهور منجی فراهم می‌گردد و با حضور ایشان، امر اهل بیت علیهم السلام و بلکه امر الهی زنده می‌گردد. «أَيُّنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ، أَيْنَ مُخَيِّبِ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِيهِ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۵۷۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۲۹۷؛ همو، ۱۳۳۰ش: ۵۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۹، ۱۰۷؛ همو، ۱۴۲۳ق: ۳۰۶). به این بیان، انتظار همان احیاء امری است که در مکتب حضرات معصومین علیهم السلام با تعبیر «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا» به آن، ترغیب و تشویق شده است.

پس انتظار که از طرفی اقتدا به سنت و دین حضرات ائمه معصومین علیهم السلام است: «و روی عن الإمام أبي الحسن علي بن موسى الرضا علیه السلام او ابی عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ وَ لَا يَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ أَنْ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعُ وَ الْعِفَّةُ وَ

الصِّدْقِ وَالصَّلَاحِ وَالْإِجْتِهَادَ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ وَظَوْلَ الشُّجُودِ وَالْقِيَامَ بِاللَّيْلِ وَاجْتِنَابَ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَحُسْنَ الصُّحْبَةِ وَحُسْنَ الْجَوَارِ وَبَدَلَ الْمَعْرُوفِ وَكَفَّ الْأَذَى وَبَسَطَ الْوَجْهَ وَالتَّصِيحَةَ وَالرَّحْمَةَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۱۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۴۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۲۲) و از طرف دیگر مجهز شدن به سلاح جهاد معرفتی، عملی و رزمی است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لِيَعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لِيَخْرُجَ الْقَائِمَ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ لِأَن يَنْسَى فِي عُمْرِهِ حَتَّى يَذْرُكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَغْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۶۶)، تدبیر عالمانه، عارفانه و عاملانه به دین حضرات ائمه معصومین علیهم السلام است و به یقین، چنین دینداری بصیرانه‌ای هم تعالیم اهل بیت علیهم السلام را زنده می‌دارد و هم زمینۀ احیاء اساسی آن را توسط منتظر حقیقی فراهم می‌آورد (ر.ک: جوادی، ۱۳۸۹ش: ۱۶۷).

نتیجه‌گیری

انتظار با توجه به آنچه در کلام اهل بیت علیهم السلام در مورد آن گفته شده است، در حقیقت پرورش و تربیت نیرو و به بیان دیگر، نیروپروری است. احیاء امر در عین این‌که افزایش و جذب نیرو است به نیروپروری نیز توجه دارد. به دیگر سخن، نیروپروری، رویش نیرو را به همراه دارد. بنابراین، انتظار و احیاء امر، دو تعبیر از یک حقیقت است. حقیقتی که انبیاء و اوصیاء الهی از ابتدای تبیین شریعت‌های الهی در گفتار و رفتار، درصدد تحقق آن بوده‌اند حتی اگر در این مسیر، به رویش و پرورش حداکثری دست نیافته باشند (هود: ۴۰؛ ص: ۲۴؛ یونس: ۸۳).

منابع

- قرآن کریم
۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق، اول.
 ۲. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، اول.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ششم.

۵. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه، دوم.
۶. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم: جامعه مدرسین، اول.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰ق)، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، قم: دارالرضی، اول.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، إقبال الأعمال، تهران: دارالکتب الإسلامیه، دوم.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق)، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دارالذخائر، اول.
۱۲. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۴ق)، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، قم: دلیل ما، اول.
۱۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الكبير، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۱۴. ابن منظور، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، سوم.
۱۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی، دوم.
۱۶. جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۲۷ق)، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه تاریخ علمی، اول.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، امام مهدی عليه السلام موجود موعود، قم: اسراء، ششم.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: اعلمی، اول.
۱۹. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، اول.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، درس خارج فقه، ۱۳۹۶/۰۲/۰۶.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی، سوم.
۲۲. عده‌ای از علماء (۱۳۶۳ش)، الأصول الستة عشر، قم: دارالشبستری، اول.
۲۳. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چهارم.
۲۴. علیان‌سب، سیدضیاء الدین؛ علوی نیک، سلمان (۱۳۸۸ش)، جریان شناسی انجمن حجتیه، قم: وثوق، اول.

۲۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۳۷۱ش)، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدين (للفیض)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اول.
۲۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اول.
۲۷. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم: مؤسسة دارالهجرة، دوم.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی، قم: دارالحدیث، اول.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۳۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۳ق)، زاد المعاد (مفتاح الجنان)، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول.
۳۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش)، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، تهران: صدرا، سیزدهم.
۳۳. واسطی زبیدی حنفی، محب الدین؛ مرتضی حسینی، سید محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، اول.

